

رنگ‌های بی‌رنگی

سهراب‌هادی

ژاک الو (Jacques Ellul)، منتقد فرانسوی تمدن تکنولوژیک عصر حاضر، خاطر نشان می‌کند که در گذشته، ژرف‌ترین تجربه انسان از تقدس، تماس بی واسطه او با عالم طبیعت بوده است و از هنگامی که انسان با طبیعت «غریبه» و «بیگانه» می‌شود، فهم کامل انسان آن‌گونه که هست، تقریباً ناممکن می‌شود. همان‌گونه که ژاک الو می‌گوید، اگر فهم تقدس تجربه در نقاشی نیز «تازه»، «بدیع» و «پرطراوت» نباشد، اثر هنری جاودان نخواهد شد و در زمان از میان خواهد رفت؛ همان‌گونه که فهم شهرنشینان در اثر فقدان تکیه بر حقیقت طبیعت در عالم ساختگی و تکنولوژیک شهری از بین می‌رود.

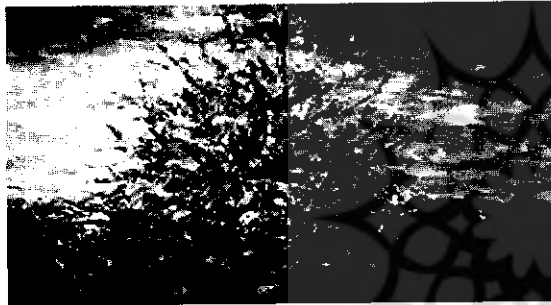
تمرکز بر آثار نمایشگاه اکنون ثریا وهاب‌زاده از این روست که با یقین می‌توان گفت: در آفرینش‌های هنری و خلاقیت‌های او زوایایی یافت می‌شود که الهام بخش پاسخ‌هایی برای دشواری‌هایی است که میان رابطه انسان معاصر و طبیعت نهفته است. در نگرش به آثار این نقاش با رمزهایی رو به رو هستیم که خاستگاهی عارفانه دارد. برای شناخت حقیقت انسان و طبیعت و درک عالمانه و عارفانه نقاش از این حقیقت، رویکرد به سرچشمه‌های آفرینش آثار ثریا وهاب‌زاده، زاویه‌ای است نو که هم تجربه معنوی دارد و هم خاستگاهی هنرمندانه و از این روی مفاهیم و معنای شناخت حقیقت «طبیعت و انسان»، در گستره بوم و آثار وهاب‌زاده، هم بیان معنای عارفانه انسان را می‌شکافد و هم قابلیت‌های خلاقه هنرمندانه او را در هر اثر، به نمایش می‌گذارد.

حضور رنگ و قابلیت‌های تکنیکی در آثار و همچنین سیطره و تسلط هنرمندانه نقاش در بیان مفاهیم جامعه‌شناسی رنگ و نیز به تصویر کشیدن صحنه‌هایی رازگونه که از روح عارفانه نقاش الهام پذیرفته است نگرشی زیبا شناسانه از پیوند انسان با طبیعت است که مخاطب در این آثار، با آن روبه‌رو می‌شود. از سویی دیگر، قابلیت‌های معنایی آثار ثریا وهاب‌زاده، چهره دیگری از معنویت انسان است که در گستره طبیعت نهفته بوده است و اکنون در زوایای هر یک از آثار نقاش به‌گونه‌ای مستقل در معرض نگاه و توجه مخاطب قرار می‌گیرد، که به‌دور از زشتی‌ها و تحریف انسان و طبیعت، با نقش و رنگ ترسیم شده است. اهمیت اندیشه نقاش از آن روست که با پختگی و پروردگی «رنگ» و «طرح»، اندیشه طبیعت‌گرایانه انسان را تفسیر و ترسیم می‌کند و مخاطب را برای درک حقیقت خویشتن، از زاویه‌ای نو با او روبه‌رو می‌سازد. نقاش، در آفرینش‌های هنرمندانه‌ای که در پردازش هر یک از آثارش خلق کرده است، با پژوهش در آموزه‌هایش، رنگ‌هایی چشم‌نواز برای بیان گستره و بی‌کرانگی انسان و طبیعت پیش چشم مخاطب گذارده است.

از دیدگاهی دیگر، آثار ثریا وهاب‌زاده محضر وصل میراث جهانی انسان و بیان نیاز او به طبیعت و خویشتن است و از این دیدگاه، آثار ثریا وهاب‌زاده معنایی است از پیوند خلاقیت نقاش معاصر با میراث جهانی و تبار تاریخی او، چه میراث هنرهای بومی و چه میراث هنرهای جهانی و نشانه‌های این پیوند، بیان شیفتگی نقاش در بهره‌گیری از جست‌وجوهای گوناگون در روبه‌روی با خویشتن است و این نیز از اهمیت‌های قابل توجه در آثار نقاش است. او میراث انسانی و فرهنگی روزگار خویش را به‌خوبی شناخته و با درک نیاز همواره انسان به طبیعت، در پی ریزی و آفرینش‌های آثاری که شکوه حقیقت انسان و طبیعت را بازگو کند، توانی سخت کوشانه را به‌کار گرفته است.

رمز آثارش جلوه رنگ‌های منحصر طبیعت در نگاه اوست و راز اثرگذاری خلاقیت‌هایش معنای آثارش را در نگاه مخاطب جاودانه ساخته است.

نمایشگاه اکنون ثریا وهاب‌زاده با بیش از ۲۰ اثر بیان ممارست‌های نقاش است از ابتدای حضور تا ختم



توانایی‌هایی که در آخرین اثر، از وی در نمایشگاه مورد قضاوت و نقد قرار می‌گیرد. دیالکتیک‌های «پنهان» و «پیدا»ی آثار نقاش بندهای مکانی عبور از شناخت‌های هنرمندانه اش را در بی‌پروایی رنگ معنا می‌کند و اشاره‌های زمان، نگاه مخاطب را برای دیدن دورترین نقطه به دیدار نقاش می‌برد و مخاطب، با نقاش در متن جهان بینی او، با آثارش و با دیالکتیک «پیدا» و «پنهان» آثار او به گفت‌وگو می‌نشیند.

اگر بپذیریم که قدرتِ خلاقیتِ نقاش و قابلیتِ بیانِ خردمندانهٔ هنر، تنها در آفرینش آثار هنرمندان شهودی فرصت حضور و ظهور پیدا می‌کند، باید به این امر نیز معترف بود که او و آثارش قابلیت آن دارند که سخن از رمز دنیایی بگویند که امتزاج «انسان» و «طبیعت» جوهر خرد آثار او باشد.

این نمایشگاه گویای رمزی است که میان ادراک صاحب اثر و معنای آثار نهفته است. و این راز، استمرارِ حقیقت جویی صاحب هنر است که در بسیاری از آثار او منعکس شده است.

در نقاشی معاصر ایران، جست‌وجو در شناخت مفهوم حقیقتِ انسان و طبیعت به نوعی از انواع سخن هنرمندانه با مخاطب در میان گذاشته می‌شود. اما آثار ثریا وهاب زاده نه تنها از رمز تنهایی نقاش با مخاطب سخن می‌گوید، بلکه از گسترهٔ جغرافیایی آثار نقاش می‌توان به مکاشفهٔ پیش روی نقاش و مخاطب نیز پی برد. نقاش حتی با هنرمندان بزرگی که پیش

از او نیز در این وادی گام برداشته‌اند اشتراک مفاهیم و معنا دارد. تشابهات با «گوگن» از جغرافیا و تاریخ دور و نیز مشابهات آثارش با رمزهای آثار محمودخان صنیع الممالک، گواهی از پیوستگی و استمرار آثار هنرمندان برای شناخت حقیقت طبیعت دارد.

نقاش، در مقام جست‌وجو و شناختِ زبانِ رنگ به رعایت موازینِ اصلِ بیانِ نظر همیشه وفادار مانده است و با توجه به مقتضای حال و مقام انسان، به ابزار می‌نگرد.

«بوم» و «رنگ» و «نقش» و «طرح» و «معنا» همه از عناصری است که بلاغت و فصاحت زبان نقش را در آثار نقاش به‌جای می‌گذارد. او وقتی به بررسی اندیشه‌های نقاشانه‌اش می‌پردازد و به ترسیم اثری مبادرت می‌ورزد که هیچ نام و عنوانی را برای بیان معنای آثارش انتخاب نکرده است هر چند بار معنایی و مفهوم بسیار عمیق فلسفی آثار به‌گونه دفاعی چنانچه از بیانی هنرمندانه و ترسیم معنای انسان از حقیقت خویش است، اما نقاش می‌گوید: آنان که با آثار وی آشنایی دارند به‌خوبی می‌دانند که این نقش‌ها برخاسته از ضرورت نگاه هنرمندانه در جست‌وجوی معنای وسیع انسان است و بناهش به طبیعت، زیرا اگر انسان تنها در مقابل حملات انسان بر خویش، هیچ پناهی جز طبیعت نداشته باشد، بازهم در جست‌وجوی پناهی از خویش می‌زیسته و این، همان نگاه «انسانم آرزوست» را در تداعی اندیشه و آثار نقاش معنا می‌کند.

آنچه دست‌مایه‌های تکنیکی و آثار خلاقیت در تابلوهای ثریا وهاب زاده را جمع مضاعف می‌کند، فصول معنایی رنگ است. رنگ در آثار نقاش بی‌فصل است، و رنگ در پوسته‌ای از آثار گنجانده نشده است.

رنگ، تمام قابلیت خلاقه آثار است و هر یک از قلم‌ها بی‌جدل با رنگ پیش از خود، در طریق معنایی به‌گونه‌ای در قسمتی از سطح بوم نشسته‌اند که در بیان، دچار مهجوری و یا خارج از معنا نیستند. ذهن نقاد و نیرومند نقاش با متکلمان رنگ، هیچ‌گاه از قرار دادن رنگ در مقام بیان بهره نگرفته، بلکه رنگ در شایستگی برهان شهودی به کمک نقاش می‌آید تا بار معنایی آثارش را با مخاطب در میان بگذارد.

ذوق و زیبایی با عمیق‌ترین معنا در آثار نقاش وضوح دارد، و حائز اهمیت است که دسترسی به فهم زیبایی، آخرین هدف بی‌واسطه است و در جنبه کیفیت معنایی، رنگ ضمانت اصالت زیبایی است که موضوع و معنا را نیز در بر می‌گیرد. ادراک و احساس بیان زیبایی و نیز فهم زیبایی در عالم انسانی امری است بدیهی و این نظر در تمام آثار نقاش شرطی است لازم و بی‌انقطاع و تجربه‌ای است هنرمندانه و نیز از جنبهٔ زیبایی ظاهر هر یک از آثار، مترادف از حسو و تکرار یکدیگرند و این نمایشگاه، حضوری است در مرتبه‌ای متعالی و متعالی‌تر از آن، متعلق به رویدادهایی است که در آیندهٔ آثار این نقاش، شکل می‌پذیرد.

